

فرہنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور

مکتوب جابر

ادبیات و تعلیم، احمد رضا اقبالپور



فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور

گرتروڈ جابز

ترجمہ محمد رضا بقا پور



نشر اختران

سرشناسه	: جابز، گرتروود	Jobs, Gertrude
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور/گرتروود جابز؛ ترجمه محمدرضا بقاپور.	
مشخصات نشر	: اختران، ۱۳۹۵.	
مشخصات ظاهری	: ۱۱۶۸ ص. ۲۳/۵x۱۶/۵	
شابک	: ISBN 978-964-207-102-9	
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا	
یادداشت	: عنوان اصلی: Dictionary of Mythology, Folklore and Symbols	
موضوع	: اساطیر -- واژه‌نامه‌ها	
موضوع	: فرهنگ عامه -- واژه‌نامه‌ها	
موضوع	: Folklore -- Dictionaries	
موضوع	: Mythology -- Dictionaries	
شناسه افزوده	: بقاپور، محمدرضا، ۱۳۲۹-، مترجم.	
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۴ ف ۲ ج ۳۵/GR	
رده‌بندی دیویی	: ۳۹۸/۰۳	
شماره کتابخانه ملی	: ۴۳۰۷۱۰۸	

این کتاب ترجمه‌ای است از: *Dictionary of Mythology, Folklore and Symbols*
 By: Gertrude Jobs
 The Scarecrow Press Inc. New York 1962



نشر اختران

فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور

نویسنده: گرتروود جابز
 مترجم: محمدرضا بقاپور
 ویراستار: خداداد موقر
 طرح جلد: ابراهیم حقیقی
 چاپ اول ۱۳۹۵
 شمارگان ۶۰۰ نسخه
 چاپ: بهمن
 صحافی: تهران

کارگر جنوبی، روانمهر، پ ۱۵۲، ط ۱، تلفن: ۶۶۴۱۰۳۲۵ و ۰۹۰۹ Akhtaran فروشگاه: ۶۶۴۱۱۴۲۹
www.instagram.com.akhtaranpub www.akhtaranbook.ir info@akhtaranbook.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۱۰۲-۹

همه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۹۸۰۰۰ تومان

ترجمه کتاب فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور را به
همسرم ثریا بقایی که با شکیبایی، دوره طولانی ترجمه
این کتاب را تحمل کرده است تقدیم می‌کنم.

سپاسگزاری از:

آقای مهندس خداداد موقر که بدون بهره‌مندی از دانش وسیع ایشان قادر به پایان بردن چنین کاری نبودم.

مسئولان نشر اختران، که با صرف وقت و عرضه نظرات حرفه‌ای، شکل‌گیری بهتر این کتاب را ممکن کردند.

و نیز کسانی که برای سرعت بخشیدن به کار ترجمه این کتاب به من یاری رساندند. و بالاخره

آقای مرتضی رفعتی که در چاپ کتاب «سمبل‌ها، کتاب اول جانوران» در سال ۱۳۷۰ با من مساعدت و همکاری فراوانی کردند و من در نهایت شرمساری باید بگویم فراموش کردم در آن کتاب از ایشان سپاسگزاری کنم. امروز از ایشان تشکر و قدردانی می‌کنم. آقای کمال بهروزی که برای ویرایش و بازخوانی کتاب «سمبل‌ها، کتاب اول، جانوران» در سال ۱۳۷۰ زحمات فراوانی را تحمل کردند. و آقای اشکان صالحی برای ویرایش مقدمه نویسنده.

مقدمه مترجم

از سالیان پیش وجود کتاب مرجعی دربارهٔ سمبل‌ها که بتواند مورد استفاده طراحان، فیلم‌سازان، نمایشنامه‌نویسان، محققان، و دیگر علاقه‌مندان قرار گیرد، فکر مرا به خود مشغول کرده بود و آرزو می‌کردم چنین کتابی به زبان فارسی در کشورمان وجود می‌داشت. تا این‌که چندی پیش به مجموعه‌ای دوجلدی به زبان انگلیسی به نام Dictionary of Mythology, Folklore and Symbols برخوردم که مواردی از پدیده‌های طبیعی نظیر جانوران، گیاهان، زمین و متعلقات آن، آسمان و متعلقات آن و نیز مصنوعات، ابداعات و ساخته‌های دست بشر مانند اشیاء، اعداد، ساختمان و فرم‌های آن، مکان‌ها، آداب و رسوم و همچنین اقوام مختلف، خدایان، شخصیت‌ها و قهرمانان اسطوره‌ای را در بر می‌گرفت. دستیابی به این مجموعه و مطالعه آن، با انگیزه‌ای که از مدت‌ها پیش داشتم، مرا بر آن داشت تا بخشی از این مجموعه را به فارسی برگردانم و برای غنای بیشتر این اثر، اطلاعات دیگری را نیز بر آن بیفزایم.

اخیراً، پس از سال‌ها، فراغتی حاصل شد تا مطالب دیگر کتاب مذکور را ترجمه، و مجموعه نسبتاً کاملی را آماده چاپ کنم. برای جذابیت بیشتر کتاب تغییراتی به شرح زیر در آن داده شد:

اصل کتاب به ترتیب الفبا تنظیم شده است. با تنظیم جدیدی که به مدخل کتاب داده‌ام، آنها به ۹ فصل و هر فصل به چند بخش تقسیم شده‌اند. کوشیدم مدخل‌های مرتبط به هم را در یک بخش و بخش‌های نزدیک به هم را در یک فصل گردآوری کنم تا خواننده دسترسی بهتری به مدخل‌های مشابه داشته باشد.

اصل کتاب فاقد عناوینی نظیر «معانی سمبلیک» و «باورهای قومی و اساطیری» است. این تفکیک صرفاً برای خواننده فارسی زبان و به منظور درک بهتر مطالب صورت گرفته است.

نام‌ها و توصیف‌ها تا جای ممکن بر حسب نظام الفبایی تنظیم گردیده‌اند و تقدم

و تأخر آنها ناشی از همین ترتیب است. به عنوان مثال، در مبحث مربوط به «بز» چنین آمده:

معانی سمبلیک: انس گیری، بوی تعفن، چالاک‌ی، حماقت، زمستان، شهوت‌رانی، ...

به منظور تلفظ صحیح نام‌ها، معادل انگلیسی هریک در مقابل آن قرار داده شده است. ولی در جایی که تلفظ واژه مورد تردید بوده، معادل فارسی آن نوشته نشده و تنها واژه خارجی آن آمده است.

از آنجا که ممکن بود برخی از خدایان، شخصیت‌ها و قهرمانان اساطیری برای خواننده فارسی زبان ناشناخته باشند، فهرست کاملی از آنها در انتهای کتاب (فصل نهم) آورده و درباره هریک از آنها شرح مختصری را که از اصل کتاب برداشت کرده یا از سایر منابع (از جمله اینترنت) به دست آورده‌ام، در همان فصل افزوده‌ام.

نام مدخل پاره‌ای از بخش‌ها به ترتیب الفبای فارسی تنظیم شده است، مانند جانوران، گیاهان، اشیاء، مکان‌ها و غیره. پاره‌ای دیگر از بخش‌ها به ترتیب الفبای لاتین تنظیم شده مانند جانوران اساطیری، گیاهان اساطیری، اشیای مقدس، مکان‌های تاریخی، آیین‌ها، قوم‌ها، خدایان و غیره. دلیل این روش آن است که برخی واژه‌ها در فارسی ممکن است در منابع دیگر با تلفظ‌های متفاوت آورده شده باشند و خواننده ایرانی در یافتن آنها دچار مشکل شود لذا بر آن شدم تا این گروه از واژه‌ها را با تلفظ لاتین تنظیم کنم تا جستجوی آنها آسان‌تر شود.

برای آنکه خواننده شناخت بهتری از مفهوم پاره‌ای مدخل‌ها در زمینه اشیای مقدس، جانوران اساطیری، گیاهان اساطیری، خدایان، شخصیت‌ها و غیره به دست آورد، تصاویری از آنها را در سایت‌های اینترنتی یافت‌م و در انتهای کتاب قرار دادم. مدخل‌هایی که تصویر دارند با ستاره مشخص شده‌اند.

فهرست کوتاه مطالب

فصل یکم:

۲۱	جانوران
۸۹	جانوران اساطیری

فصل دوم:

۱۱۵	گیاهان
۱۸۷	گیاهان ماه‌های تولد
۱۹۵	گیاهان اساطیری
۲۰۳	سایر گیاهان

فصل سوم:

۲۱۱	بدن
۲۴۱	اشارات و حرکات

فصل چهارم:

۲۵۵	اشیا
۳۳۵	اشیای مقدس و طلسم‌ها
۳۸۷	سنگ‌ها و جواهرات

فصل پنجم:

۴۰۷	مکان‌ها
۴۱۷	مکان‌های تاریخی و اساطیری
۴۷۵	بناها و سازه‌های معماری

فصل ششم:

۴۹۱	طبیعت و پدیده‌های طبیعی
۵۲۱	سیارات و ستاره‌ها
۵۳۷	جهت‌های اصلی

۵۴۱ نجوم

فصل هفتم:

۵۶۳ آیین‌ها و مراسم

۶۰۹ قوم‌ها و فرقه‌ها

فصل هشتم:

۶۲۷ برخی واژه‌های دیگر

۷۲۹ رنگ‌ها

۷۴۹ اعداد

۷۷۹ روزهای هفته (میلادی)

۷۸۱ ماه‌ها (میلادی)

فصل نهم:

۷۸۹ خدایان، قهرمانان و شخصیت‌ها

تصاویر

۸۶۵ تصاویر جانوران اساطیری

۸۸۱ تصاویر گیاهان اساطیری

۸۸۷ تصاویر اشیاء

۸۹۵ تصاویر اشیای مقدس و طلسم‌ها

۹۱۹ تصاویر مکان‌های تاریخی و اساطیری

۹۷۹ تصاویر آیین‌ها و مراسم

۱۰۰۳ تصاویر قوم‌ها و فرقه‌ها

۱۰۱۵ تصاویر خدایان، قهرمانان و شخصیت‌ها

۱۰۷۵ منابع مترجم

۱۰۷۷ کتاب‌نامه

۱۱۰۱ نمایه فارسی انگلیسی

۱۱۳۵ نمایه انگلیسی فارسی

مقدمه نویسنده

منشأ اثر حاضر علاقه به سمبل هاست. اما سمبل یا نماد چیست؟ هرچه به وجود آید، آنچه هست یا بوده. از آن زمان که «در آغاز کلمه بود» و شاید هم پیش از آن که کلمه در این عبارت خاص ظاهر شود انسان تلاش کرده است کلمه را درک کند. انسان اولیه به این نتیجه رسید که منشأ کلمه خورشید یا آب یا آب - خورشید است و کلمه حرمت قهرمانی فرهنگی یا الهه حکمت را می باید و اصوات درمقام نام‌هایی برای خداوند و به عبارت دقیق‌تر درمقام ریشه‌های کلمه و برای نشان دادن نیروی زندگی به ما می‌رسند. یک مثال El است که جزء سازنده بسیاری از کلمات از جمله Electricity به شمار می‌رود. مثال دیگر Ab است که در Abrahام، Abbreviation، Abernathy و غیره وجود دارد و بدین ترتیب «در آغاز» زبان که وسیله‌ای حیاتی برای ارتباط و گفت‌وگوی انسان‌ها است نمادین بود. ابتدا انسان جنبه‌هایی بصری برای تفسیر کلمه ایجاد کرد و طرح‌ها و اسباب و پشته‌هایی خلق کرد که تا امروز باقی مانده حال آنکه استخوان‌های خود او پوسیده و از میان رفته است. کسانی که از نمادپردازی سر درمی‌آوردند می‌دانستند که فلان نماد مربوط به یک خدا است یا این‌که نوع گوشت شکار در منطقه یا کیفیت غله را نشان می‌دهد. یکی از موضوعات مورد علاقه عبارت بود از ارتباط مرگ (آشوب) و تولد و زندگی با نور متغیر شب و صبح و روز و فصول متغیر زمستان و بهار و پاییز، و می‌دانیم که در بسیاری از ادیان تثلیث نماد باروری یا چرخه زندگی بوده است.

ترس که ناشی از نیروهای مختلف خیر و شر در پدیده‌های طبیعی بود باعث شد انسان به خرافه رو کند و به خود جرئت ندهد نام خدایان را به زبان آورد یا آنها را مستقیماً خطاب کند. انسان برای پی‌بردن به این که آیا زمان برای رفتن به سفر یا انجام کاری مهم یا شروع جنگ مساعد است یا نه انواع خواهش‌ها و دعاها و شکرگزاری‌ها را در لفاف نمادهای مادی یا زبانی سنجیده می‌پیچید. حتی انسان

روحانی هم جسارت سخن‌گفتن با خدایان را نداشت؛ او برای گفت‌وگو با خدایان دسته‌ای خدنگ به هوا پرتاب می‌کرد و پس از آنکه خدنگ‌های حامل پیام فرود می‌آمدند همچون کلماتی که درهم‌برهم باشند به این سو و آن سو پراکنده می‌شدند و فقط انسان روحانی جسارت کشف معنی‌شان را داشت و معمولاً تعبیری نمادین از آنها ارائه می‌کرد. بسیاری از این نمادهای کشف‌شده در حکم استخوان‌بندی‌هایی‌اند که مبنای بازسازی تمدن‌های مدفون قرار گرفته‌اند. تا همین دوران خودمان شاهدیم که یک نژاد یا فرقه برای آنکه بقا یابد در دنیای زیرزمینی نمادها فرو رفته است و این برمی‌گردد به هم‌زیستی نژاد یا فرقه مذکور با نژادها یا فرقه‌هایی دیگر که خداشناسان و مرتدان و کافران و مشرکان و خداشناسان و معتقدان به گذشته و محافظه‌کاران آینده‌نگر را نابود کرده‌اند.

پیروان آیین قبلا و پیشگویان و ماوراءالطبیعه‌شناسان و غیب‌باوران برای توضیح دادن زندگی و پیشگویی آینده از نمادها کمک می‌گیرند. نویسندگان و معماران و نقاشان و مجسمه‌سازان و طراحان تمام زمینه‌ها حتی طراحان صنعتی همگی در تلاش‌های خود برای فراتر رفتن از جنبه‌های پیش‌پاافتاده‌ی زندگی به نمادها متوسل می‌شوند بدون آنکه درکی کامل از آنها داشته باشند. امروزه در میان گروه‌های هنری مُد شده است که به قبرستان‌ها بروند و از نقش مارهای بالدار و سایر نقوش حک شده روی سنگ قبرهای کهنه نسخه‌برداری کنند. هنرمندی در این مورد به من گفت: با اینکه انسان‌های بدوی این نقوش را به وجود آورده‌اند اما واقعاً قشنگ‌اند. اگر این حرف را خود سنگتراش می‌شنید چه بسا فریاد برمی‌آورد که: بدوی شما باید که از نقوش ما نسخه‌برداری می‌کنید ولی ما می‌دانستیم چه می‌کنیم و هر خطی که کشیده‌ایم معنایی دارد. چند سال پیش نمایشی در برادوی (Broadway) با عنوان هاروی (Harvey) با شخصیت نمادین خرگوش به موفقیت فراوان رسید. بسیاری از تماشاگران در وصف نمایش گفتند که «بسیار لذت‌بخش اما کاملاً غیر واقعی» است. اما می‌دانیم که خرگوش در زندگی سرخپوستان دشت‌های مرکزی آمریکا نقشی مهمی ایفا کرده است؛ در واقع خرگوش بود که نوع آغازین بشر را آزاد کرد تا از دنیای زیرزمینی خارج شود و روی زمین سکناگزیند.

اگر کلیدهایی برای فهم نمادهای متعارف استفاده‌شده طی قرون و اعصار وجود نداشته باشد لاجرم ارتباط میان نسل‌ها و حتی میان افراد هم‌عصر از بین می‌رود. اما این کلیدها وجود دارند و با توجه به این که در انبوهی از آثار دینی و

عالمانه و خرافی و رمانتیک وسیعاً پراکنده‌اند و برخی‌شان را باید در اعماق پیدا کرد برای رسیدن به آنها باید پژوهنده‌ای سخت‌کوش بود.

تهیه فرهنگ‌نامه‌ای از نمادها در نگاه اول چه‌بسا غیرممکن به نظر برسد؛ در حقیقت اثر حاضر تصادفاً به وجود آمد زیرا من این تحقیق و تفحص را برای درک برخی از نمایشنامه‌ها و حماسه‌ها و اشعار و نقش‌های روی ظروف و آثاری دیگر و نیز برای استفاده در نوشته‌های خلاقه‌ام آغاز کردم. اما هرچه بیشتر کاویدم بیشتر برایم روشن شد که چیزی مشترک در نمادها و موقعیت‌های نمادین افسانه‌ها و اسطوره‌ها همه مردمان مختلف را به هم پیوند می‌دهد. به‌رغم این‌که نام خدایان در یک دین احتمالاً در دینی دیگر به نام شیاطین بدل شده است همین جانشینی عناوین نشان می‌دهد که انسان‌ها در اصل با هم برادرند. در جایی ویژگی نمادین یک نام چه‌بسا تفسیر و تعبیری متفاوت یافته باشد اما ویژگی نمادین خود وضعیت تغییری نکرده است. در بسیاری از موارد نام‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر به‌طور کاملاً حیرت‌آور منتقل شده‌اند. در میان سرخپوستان پرویی (Peruvian) اصطلاح معادل ذرت «سارِ ماما» (saramama) است که نام رع (Ra) یعنی خدای مصری خورشید را دربردارد: سارِ ماما یا آتش‌رع‌مادر (fire-Ra-mama) در میان پرویی‌ها به منزله نمادی از قوت لایموت و یکی از سجایای معبود پرستش می‌شده است. کلمه rice [برنج] از کلمه‌ای فارسی به معنی «افزایش» مشتق است و به اروس (Eros) خدای باروری و عشق مربوط می‌شود؛ پس وقتی بر سر عروس و داماد برنج می‌پاشند در واقع برای‌شان آرزوی داشتن فرزندان متعدد می‌کنند. ژست‌ها و حالت‌هایی که روی الواح ایستاده ماقبل تاریخ به چشم می‌خورند همانند آنهایی است که در آثار هنری نسبتاً مدرن دیده می‌شوند و همان معنی را دارند. امروزه از بینو (beano) یعنی جشن لوبیایی که به احترام پریان (fairies) برگزار می‌شد بازار خیریه (fair) به یادگار مانده است. نشانه‌ها و نمادهای قدیسان مسیحی غالباً همان نمادهای باروری یا نور یا زمان منسوب به مشرکان است اما در مسیحیت تلاش نشده است از همان تفاسیر استفاده شود زیرا در سنت مسیحی آنها را اسباب شهیدنمایی یا ابزار نشان‌دهنده یک کار می‌دانند.

من یادداشت‌هایم را زمانی برای انتشار آماده کردم که دریافتم اگر درباره شناخت باطنی اهمیت و مفهوم نمادین رسوم و اعتقادات اجداد مشترک‌مان بینشی عمیق‌تر کسب کنیم چه‌بسا به درکی جهان‌شمول برسیم و همگی به این نکته

پی ببریم که مردمان به اصطلاح برتر یا پست‌تر با هم خویشاوندی دارند. به اعتقاد من کشمکش‌ها به احتمال زیاد از ترس ناشی می‌شوند و ترس بدون هیچ شک و تردیدی زادهٔ امور مرموز و ناشناخته است. پس نمادپردازی صرفاً میراثی جهانی و همگانی نیست بلکه همچنین زبانی جهانی و همگانی و وسیله‌ای برای ارتباط وسیع‌تر است. اگر فرهنگ‌نامه حاضر مردم را در درک این نکته یاری دهد که پس‌زمینه‌ای مشترک یا مرتبط با یکدیگر دارند در این صورت می‌توان گفت دستاوردی داشته است. باید اعتراف کنم که با پیش‌روی در کار تهیهٔ این کتاب مدام بیشتر آموختم؛ این فرهنگ‌نامه برایم گشایندهٔ پهنه‌ای وسیع برای پرواز و فضایی بی‌انتها برای تعمق بود.

فرهنگ‌نامه حاضر احتمالاً مشکل‌گشای پژوهندگانی نیست که عمرشان را سال‌ها صرف بحث و جدل دربارهٔ معنای این یا آن نماد کرده‌اند. این فرهنگ‌نامه در عوض فقط نتایج تبیین‌هایی را عرضه می‌دارد که اهالی دانش و پژوهش تاکنون عرضه کرده‌اند و به علاوه چند تفسیر تازه نیز به‌منزلهٔ شاه‌کلید در این فرهنگ‌نامه یافت می‌شود تا همچنان‌که برای من راهگشا بوده‌اند برای دیگران نیز راهگشا باشند. در بحث دربارهٔ خدایان، هر جا ممکن بوده است اطلاعاتی بدین‌قرار ارائه شده: نسب‌شناسی، کارکرد، توضیح کارها و رفتار، ویژگی‌ها یا نشانه‌ها، مرکب‌ها، نحوهٔ نمایش در قالب هنر و بالأخره خدایان مشابه. در مورد فقره‌های کلی‌تر مانند حیوانات و جواهرات و نباتات و غیره تا جایی که ممکن بوده است از الگوی زیر پیروی شده:

نمادپردازی جهان‌شمول و عامیانه

اهمیت و مفهوم خواب و رؤیا

اهمیت و مفهوم فراماسونری

اهمیت و مفهوم نشان‌های خانوادگی

اهمیت و مفهوم علوم خفیه

توضیح لغوی

خویشاوندی‌ها و شباهت‌ها

اهمیت و مفهوم اسطوره‌ای یا دینی به ترتیب الفبایی ذیل نام فرهنگ

مایلم از این فرصت بهره‌جویم و نهایت امتنان و دین خود را به آقای رابرت بیرمن (Robert Bierman) و بسیاری از کسان دیگر ابراز کنم که هریک به‌نحوی به من یاری

رسانده‌اند. به علاوه می‌خواهم از دوشیزه ویرجینیا والترز (Virgina Walters) و کارکنان زیردست او در کتابخانه تیلر، در میلفورد، کنکتیکات، و اعضای دپارتمان‌های مختلف کتابخانه عمومی نیویورک در خیابان پنجم و خیابان چهل و دوم شهر نیویورک، جایی که برای این کتاب فرهنگ مطالعات و بررسی‌های بسیاری را در آن انجام دادم، تشکر کنم. همچنین می‌خواهم از ناشران خود آقای آلبرت داوب (Albert Daub) رئیس انتشارات اسکرکرو (Scarecrow) و دکتر رالف آر. شو (Ralph R. Shaw) سردبیر انتشارات اسکرکرو و همکاران آنان تشکر نمایم.

گرتروود جابز

میلفورد، نیویورک

۱ دسامبر ۱۹۵۹

فصل یکم

جانوران

جانوران اساطیری

جانوران

آخوندک *Mantis*

باورهای قومی و اساطیری: حشره مورد احترام بیشتر قبایل آفریقایی. برخی قبایل بر این باورند که خزیدن آخوندک روی افراد، خوش شانسی می‌آورد، از این رو، اجازه کشتن آن را نمی‌دهند. در قبیله «بارونگا» (Baronga) تجلی روح پیشینیان. مردم «تونگا» (Thonga) آخوندک را فرستاده‌ای از جانب خدایان اجدادشان می‌پندارند. مردم «زولو» (Zulu) از این حشره برای غیغویی و تفرال استفاده می‌کنند. در ژاپن، سمبل جرئت. نام دیگر این حشره، آخوندک دعا‌گزار است، چون، هنگام شکار حشرات کوچک، پاهای جلوی خود را به حالت ویژه‌ای قرار می‌دهد.

آفتاب پرست (حربا) *Chameleon*

باورهای قومی و اساطیری: این جانور به سبب برخورداری از قابلیت متورم کردن بدن خود و نیز قابلیت استتار، نشانگر فردی است که قادر به تغییر خلق و خوی خویش است. در روایات قومی آفریقاییان، جانور پست بدیمن که به شکل روح افراد متوفی در می‌آید. یکی از صورت‌های فلکی که موقعیت آن در نزدیکی قطب جنوب است.

آلیگاتور *Alligator*

باورهای قومی و اساطیری: نزد سرخپوستان آمریکای جنوبی، جانوری مقدس موسوم به «کایمان» (Cayman) [نوعی تمساح آمریکایی] در گره، آن را با «ناگه» (Naga) یا مار مرتبط می‌دانند و در آیین هندو، خدایان ناگه را پرستش می‌کنند. کایمان: نوعی تمساح آمریکایی شبیه آلیگاتور است.

آنقوت *Coot*

پاره‌ای از جوامع، نحوه زندگی این جانور را در صخره‌های کنار دریا، و نحوه تغذیه آن را از ماهیان، که بدون ایجاد هیجان و کشمکش انجام می‌دهد، ملاک قرار داده‌اند و آن را سمبل ادب، ادراک، خرد، زیبایی و وقار برشمرده‌اند. برخی جوامع دیگر، حالات این جانور را به افراد احمق تشبیه می‌کنند و حرکات آن را فاقد ارزش می‌دانند.

آهو *Gazelle*

معانی سمبلیک: اندام زیبا، خوراک لذیذ، ظرافت، وقار.

باورهای قومی و اساطیری: جانور مقدس «آزیریس»

اسب Horse

معانی سمبلیک: آزادی، اندام زیبا، انرژی خورشیدی، باروری و حاصلخیزی، بخشنندگی، پایداری، پیروزی، حرکت، حس شنوایی باطنی، خیرخواهی، دانش، زمان، سپاس‌گزاری و قدردانی، سرعت، فهم و شعور، طاقت و تحمل، نیرومندی، هوش؛ همچنین، جنگ، خیره سری، سرسختی و لجاجت، غرور. مجازی: (اسب با زین و برگ) شانس خوب؛ (اسب خاکستری یا ابلق) زندگی ناآرام؛ (اسب سفید) ثروت، موفقیت؛ (اسب سیاه) اندوهی که به شادمانی مبدل می‌شود؛ (دویدن اسب) پیروزی سریع؛ (زمین خوردن اسب) خبر غم‌انگیز.

باورهای قومی و اساطیری: مرکب خدایان: ابرها، امواج، باد، برق، پرتو نور. اسبی که مرکب شیطان است و سمبل اندام نراست. در نشان‌های نجابت خانوادگی، آماده برای هرگونه خدمت در زمان جنگ یا صلح. اسب نزد دانمارکی‌ها، ساکسون‌ها، و سلتی‌ها مورد احترام است و خوردن گوشت آن به جز در جشن مقدس پاییز، ممنوع بوده است. در بین بوداییان، ابر یا اژدها مرکب «برهما» (Brahma) است. در چین، جانور اداره‌کننده جهت جنوب و ساعات ۱۱ صبح الی ۱ بعد از ظهر. در مسیحیت، حیوان منتسب به قدیس «آیدن» (Saint Aiden)، قدیس «جرجیس» (Saint George)، قدیس «جیمز کبیر» (Saint James the Great)، قدیس «کلمبا» (Saint Columba). در تصویرپردازی و نقوش (Imagery) دورهٔ رنسانس سمبل شهوت. نزد عبریان، سمبل جنگ که در مقابل آن الاغ مظهر صلح به‌شمار می‌رفته است. در منطقهٔ البروج هند، اسب اداره‌کننده برج حمل (Aries) است. گردونهٔ «سوریا» (Surya) توسط هفت اسب سبز رنگ به نشانهٔ تجدید حیات یا

(Osiris)، «تحتوت» (Thoth)، عطارد (Mercury)، «مول - لیل» (Mul-lil)، «هرمس» (Hermes) در مصر قدیم، وقوع طغیان رودخانهٔ نیل را از فرار آهوان به سوی بیابان‌های اطراف این رودخانه پیشگویی می‌کردند. تندیس «هوروس» (Horus) درحالی که آهوئی را نگهداشته، به نشانه پیروزی او بر «ست» (Set) تلقی شده است. در سنت عبری و عربی، سمبل بی‌گناهی، زیبایی، کمرویی. در ستون‌های سنگی یادبودی سامی، خدای جنگ معمولاً با سر آهو مجسم شده است.

اردک Duck

معانی سمبلیک: بی‌خیالی، دنیاپرستی، روده درازی، نگران نشدن، نیرنگ.

باورهای قومی و اساطیری: در نشان‌های نجابت خانوادگی، علامت فرد کاردان با منابع مالی فراوان. در چین، نشانگر سعادت، محبت و عشق دوران ازدواج، غالباً همراه با نیلوفر آبی نشان داده شده است. در مصر باستان، جانور مرتبط با «ایزیس» (Isis) برای زایش خورشید. در بین عبریان، سمبل فناپذیری. بنا به روایت سرخپوستان «سیو» (Siouan) دنیا با گلی که توسط اردک از عمق دریای نخستین به‌دست آمد، درست شد. در داستان‌های تخیلی روسیه، اردک، تخم طلایی (خورشید) را گذارد.

اردک کاکل‌دار چینی: در چین و ژاپن پرنده‌ای مقدس به‌نشانهٔ محبت دوران ازدواج، وفاداری دائمی. نزد بوداییان چینی، نشانهٔ عقل کل، حق‌شناسی. **جوجه‌اردک زشت:** در افسانه‌ها بچه‌ای زشت و نومید که سرانجام از برادران و خواهرانش پیشی می‌گیرد.

اژه‌ماهی Sawfish

معانی سمبلیک: اندوه، مخاطره.